

# نزاکتهای پسندیده میان نویسنده و ویراستار

اخیراً کتابی به دستم رسید و خواندم که حیفم می‌آید به شما معرفی نکنم. عنوان کتاب «گفتگوی ویراستاران با نویسندگان» است (BOOK EDITORS TALK TO WRITERS) و مجموعه‌ای است از صدها سؤال و پاسخهای مشروح آنها راجع به کتاب، نشر کتاب، نمایشگاههای کتاب، قراردادهای نشر کتاب،... و بسیاری موارد دیگر که ممکن است هر مؤلف یا مترجم و نویسنده‌ای با آنها سروکار داشته اما مجال برای یافتن پاسخ آنها نداشته است. مؤلف که خود ویراستار است (Janet Silver) در گفتگو با ۴۴ ویراستار با تجربه‌ی دیگر این مجموعه را برای کمک به افراد در ورود به بازار تجارت و معاملات و نشر کتاب گرد آورده است. یکی از مشخصات کتاب را می‌توان گستردگی نظر آن در توجه به مسائل مختلف و متنوع دانست. افرادی که به سؤالات مؤلف کتاب پاسخ گفته‌اند خود دارای مسئولیت کلیدی در شرکتهای انتشاراتی سرشناس و معتبرند و از این رو گفته‌هایشان را می‌توان قابل اتکا بر تجربه دانست.

یکی از فصل‌های کتاب که به ویژه توجه‌ام را جلب کرد درباره‌ی رعایت آداب و نزاکتهای پسندیده، یا به قول خودشان «اتیکت» میان نویسنده و ویراستار است. نویسنده، خانم جایز سیلور، سر ویراستار انتشارات Houghton Mifflin Co. در بوستون است که قدمتی ۱۶۰ ساله دارد و از اعتبار زیادی برخوردار است. اگر ضوابط، امکانات و یا توان حرفه‌ای همکاران چنین شرکتهای انتشاراتی را بخواهیم با واقعیات بومی خودمان مقایسه کنیم، باید بشینیم و زار زار به



بحال خودمان گریه کنیم. اما زاری نکنیم و به جایش در حدّ و حدود ممکن یاد بگیریم و الگو برداریم. این که دیگر نامش تهاجم فرهنگی نیست؟!

راستی چه بر سر انجمن ویراستاران که چند سال پیش نوید و بشارت تشکیل آن را شنیدیم و خواندیم آمد؟ چرا به ناگاه کلام و افراد و تشکیلات ناپدید شدند؟ اصلاً واژه‌ی «ویراستار» چه قدمتی در فرهنگ ما دارد؟ چند ناشر می‌شناسید که «ویراستار» به معنای راستین آن داشته باشند؟ و یا چند نفر مؤلف و نویسنده و مترجم می‌شناسید که در شأن خود بدانند به توصیه‌های ویراستار خود اعتنا کنند؟ شاید هم حق با آنها باشد زیرا ویراستاری به معنای جایگزین کردن واژه‌ای با مترادف آن نیست و یا تحمیل سبک موردپسند ویراستار به نویسنده نیست. البته به یاد می‌آورید که خانم تونی موریسون، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات چند سال پیش، حرفه‌اش ویراستاری بود. ویراستاران اغلب به نویسندگان صاحب نام نیز یاری رسانده و می‌رسانند و کمتر نویسنده‌ای نیاز به همکاری و رهنمودهای لازم یک ویراستار حرفه‌ای ندارد. نامه‌های متعددی که میان دی. ایچ. لاورنس و ناشر و ویراستارش به جای مانده‌اند را به یاد بیاورید. اگر نخواستید به این دوری بروید از آقای رضا جعفری خودمان یاد کنید که همزمان حرفه‌ای‌ترین ناشر ما و ویراستاری چیره‌دست است. می‌دانیم که توصیه‌های او از عنوان کتاب گرفته تا جای‌جای محتوای آن موجب آفرینش‌های ادبی قابل تأمل در سرزمین ما گشته است. مقصود این که اهمیت ویراستاران حرفه‌ای در خارج از کشور ما تا به حدّی است که حرف آخر را

به هنگام انتخاب کتاب آنها می‌زنند، نه ناشر. چند پرسش و پاسخ را که در فصل کتاب مورد اشاره با خانم سیلور انجام گرفته است برایتان به عنوان مثال می‌آورم. بخوانید:

— کتاب‌های مورد نظر و نیازتان را چگونه پیدا می‌کنید؟  
نود درصد آنها را از طریق واسطه‌ها.

— اگر واسطه‌ای در میان نباشد روال کارتان چگونه است؟

من مرتب به نویسندگانی که آثارشان را در نشریات می‌خوانم و تحسین می‌کنم نامه می‌نویسم. در همایش‌های نویسندگان حضور دارم. به نامه‌هایی که نویسندگان به من می‌نویسند و پیشنهاد می‌کنند فصلی از کتاب خود را برایم بفرستند، پاسخ می‌دهم.

— آیا نویسندگان رمان نیز همین روند را دنبال می‌کنند؟

خیر. تقریباً هیچ ویراستاری با خواندن یک فصل از یک رمان سفارش رمان کامل را نمی‌دهد. رمان‌نویسان نسخه‌ای کامل از رمان خود را برای ما می‌فرستند.

— چگونه باید پیشنهاد یک کتاب هیرداستانی را به گونه‌ای پسندیده و حرفه‌ای به ویراستار داد؟

باید توانست ویراستار را متقاعد کرد که موضوع کتاب جالب و جذاب است و نویسنده‌ی آن شایسته‌ترین فرد برای تألیف آن کتاب است. در ضمن با استدلال و منطق ثابت کرد که در بازار کتاب نیاز به انتشار چنین کتابی هست. پیشنهاد مکتوب باید روشن و روان باشد و بی‌آن که ویراستار را در انبوهی از جزئیات غرق کند، اطلاعات لازم را در اختیارش بگذارد. یک فصل از کتاب پیشنهادی نیز می‌تواند ضمیمه‌ی نامه گردد.

— بدترین اشتباهی که از یک نویسنده در نامه‌اش به ویراستار می‌تواند سر بزند چیست؟

غلو بیش از حد و استفاده‌ی غیرمعمول از علامت تعجب! برای من قانع‌کننده نیست که نویسنده بگوید کتاب او در فهرست کتابهای پرفروش خواهد رفت. این نشانه‌ی غیرحرفه‌ای بودن نویسنده است. نویسندگانی که چنین ادعایی می‌کنند به وضوح نمی‌دانند راجع به چه دارند صحبت می‌کنند. نامه‌ی پیشنهادی نویسنده تا اندازه‌ای شبیه نوشتن پیشینه‌ی حرفه‌ای شخص است. خیلی از نویسندگان می‌خواهند جلب نظر ویراستار را با متفاوت جلوه دادن خود، با شوخی یا حتی لودگی نمایند. این کار موجهی نیست. اشتباه املائی و انشایی و چاپی هم موجب مشکوک شدن ویراستار می‌شود.

— آیا ناشران دستنوشته‌ای را که سفارش نداده‌اند اما برایشان ارسال می‌شود، می‌خوانند؟

اکثر ناشرها نمی‌خوانند. گاه دستیار ویراستار ممکن است آن را بخواند.

— چه مدت زمانی معقول است نویسنده صبر کند و سپس با ویراستار تماس بگیرد؟

اگر دستنوشته‌اش را بی‌آن که سفارشی گرفته باشد ارسال کرده است، لااقل یک ماه.

— آیا شایسته است که نویسنده با ویراستار تماس تلفنی بگیرد؟

اگر جوابی نداشته‌اید به آن معنی است که ویراستار هنوز دستنوشته شما را نخوانده است. مطمئن باشید که هر چه بیشتر مزاحم کسی شوید، امکان رسیدگی به کارتان کمتر می‌شود. یک نمونه از ناپسندترین کاری را که یک نویسنده می‌تواند بکند برایتان شرح می‌دهم: روزی پزشکی که یک داستان پلیسی نوشته بود به من تلفن کرد. هنوز دستنوشته‌اش را برای انتشارات ما نفرستاده بود که به دستیار من تلفن کرد و اصرار ورزید با من صحبت کند. سرانجام مرا گیر آورد و نیم‌ساعت تمام تلفنی وراجی کرد. به هیچ ترفندی نمی‌توانستم سخنش را کوتاه کنم. دستنوشته‌اش را شخصاً آورد. همانگونه که از پُرگوئی تلفنی‌اش حدس زده بودم، کتاب او به درد ما نمی‌خورد. اما مگر جواب منفی ما را جلدی گرفت؟ با سماجت هر چه تمام و به عناوین گوناگون مزاحم ما شد.

— روابط با نزاکت میان نویسنده و ویراستار چگونه باید فوam بگیرد؟

نویسنده باید کوشش کند روابط صادقانه‌ای با ویراستار خود برقرار کند. او باید با دقت بسیار به پیشنهادات ویراستارش برای تجدیدنظرها گوش فرا دهد و بتواند به راحت با او به بحث و گفتگو بنشیند. ویراستار نیز لازم است به این گفت‌ووشنود بسط بدهد و نویسنده را در جریان تمام مراحل تدوین اثرش بگذارد.

— چه آداب و نزاکت‌هایی را لازم است نویسنده با ویراستار خود رعایت کند؟

نویسنده لازم است همانگونه که انتظار دارد ویراستار با او رفتار کند خود با ویراستار رفتار کند، یعنی کاملاً حرفه‌ای. و در مقام دو فرد حرفه‌ای، روابط باید با همکاری مستمر و سازنده و صمیمی توأم باشد. اگر هم اختلافی پیش آید باید دوستانه و نه خصمانه به رفع آن پرداخت.

— توصیه‌ی شما به نویسنده‌ای که دنبال ناشر می‌گردد چیست؟

نخست لازم است پژوهش کند و مناسب‌ترین ناشر را برای اثر خاص خود پیدا کند. برای این منظور می‌تواند به کتابفروشی‌ها برود و ببیند کدام ناشر کتابی نظیر اثر او در آورده است و به دنبال آن ناشر برود. یا می‌تواند به آن ناشر نامه بنویسد و بگوید فلان کتاب و بهمان نویسنده را تحسین می‌کند و کتابی نوشته است که به احتمال زیاد نظر ناشر را جلب خواهد کرد.

— توصیه‌ی شما به نویسنده در مورد رعایت آداب و نزاکت‌های لازم با ویراستارش چیست؟

پس از پیدا کردن ویراستار مناسب و موردنظر، نویسنده باید به خاطر داشته باشد که ویراستار او فردی پُرمشغله است و فقط روی کتاب او کار نمی‌کند. البته در مواردی که برای نویسنده اهمیت یا فوریت دارد می‌تواند از ویراستارش بخواهد توجه لازم را به کار او نشان دهد. در واقع ویراستار نویسنده باید نماینده، حامی و مدافع او در موسسه‌ی انتشاراتی باشد.

منبع: